

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء(س)
سال سیزدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۵، پیاپی ۳۱

ارزیابی صحت ارجاعات سیوطی به راویان و مصادر پیشین در «الجامع الصغیر»

مصطفی همدانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۴

تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۱۰/۲۸

چکیده

الجامع الصغیر سیوطی، یکی از جوامع روایی معروف اهل سنت است که با روش الفبایی (برحسب ابتدای روایات) تدوین شده است. پژوهش فرارو به بررسی میزان صحت استنادات کتاب یاد شده به راویان و مصادر روایی پیشین که سیوطی از آنها نقل کرده (و در نگاه اول به نظر می‌رسد ارجاعات وی همگی دقیق هستند) پرداخته است. پژوهش حاضر، با روش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای کمی و بر اساس نمونه‌ای که به روش سیستماتیک و طبقاتی تهیه شده، به بررسی ۴۰۰ روایت از روایات این کتاب پرداخته و طبق قوانین علم

احتمال، نتایج آن را با خطای ۵ درصد به کل کتاب تعمیم داده است. نتایج نشان داده است با خطای ۵ درصد می‌توان گفت در کل کتاب الجامع الصغیر، در ۹/۶٪ موارد ارجاعات بر اساس مصادر روایی موجود در زمان ما نادرست هستند. نادرستی این ارجاعات به علت فقدان روایت در نسخه موجود از آن کتب در زمان ما یا عدم تصریح به نام کتاب و اکتفا به نام نویسنده کتاب (با این که آن نویسنده تألیفات روایی متعدد داشته است) و یا اشتباه در انتساب روایت به راوی است.

واژه‌های کلیدی: صحت استناد، الجامع الصغیر، سیوطی،

مصدرشناسی.

۱. مقدمه

جلال الدین عبدالرحمان سیوطی، عالم شافعی قرن نهم و دهم (حاجی خلیفه، ۱۹۴۱، ج ۱، ص ۵۹۷) و یکی از حدیث دانان و کاوشگران اخبار و آثار است. تألیف ششصد جلد کتاب و رساله‌ی کوچک و بزرگ در حوزه‌های گوناگون ادبی و فقهی و اصولی و تفسیری و حدیثی و ... به شکل مطبوع یا مخطوط به او نسبت داده شده است. (حموده، ۱۴۱۰، صص ۴۱۳ - ۳۸۱) از جمله تألیفات وی در حوزه حدیث، کتاب «الجامع الصغیر» است. این کتاب، خلاصه‌ای از روایات منتخب سیوطی است که آن را از کتاب حدیثی بزرگ خود یعنی الجامع الکبیر (جمع الجوامع) برگزیده است. (مناوی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۳ و ۲۴؛ حاجی خلیفه، ۱۹۴۱، ج ۱، ص ۵۹۷)

کتاب «الجامع الصغیر»، در ساختار خود نوعی کوتاه‌نویسی را با استفاده از ظرفیت معجم‌نگاری درهم آمیخته و اثری مهم را خلق نموده است. معجم‌نویسی، یکی از شیوه‌های تدوین حدیث است که بر اساس حروف الفبا و طبق نام راویان، شهرها، صحابه و امثال آن نوشته می‌شود. طبرانی «المعجم الکبیر» را بر اساس ترتیب الفبای نام اصحاب نگاشته و «المعجم الاوسط» را بر اساس نام الفبایی مشایخ نوشته و ابن عساکر «معجم البلدان» را بر

اساس نام الفبایی شهرها نوشته است. (کتنای، ۱۴۲۱، ج ۱، صص ۱۳۵ - ۱۳۷) در این میان، سیوطی به ابتکاری جالب دست زده است و آن، تدوین احادیث بر اساس الفبا و طبق حرف آغازین حدیث است.

«الجامع الصغیر»، مورد توجه حدیث پژوهان متأخر از سیوطی قرار گرفته و پس از ایشان به عنوان یک متن روایی، مورد شرح و تفسیر قرار گرفته است. از شروح مهم الجامع الصغیر عبارت‌اند از: شرح شمس‌الدین محمد علقمی شافعی از شاگردان سیوطی با نام «الکوکب المنیر» و نیز کتاب «الاستدراک النضیر علی الجامع الصغیر» اثر احمد بن محمد متبولی و نیز کتاب «فیض القدیر» تألیف عبدالرئوف مناوی شافعی. (حاجی خلیفه، ۱۹۴۱، ج ۱، ص ۵۶۰) و کتاب «السراج المنیر: شرح الجامع الصغیر فی حدیث البشیر النذیر»، اثر علی بن احمد عزیز. (عطیه و دیگران، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۳۲۹)

سیوطی این کتاب را از صحاح سته، مسند احمد، معاجم سه گانه طبرانی، صحیح ابن حبان، مسند ابویعلی موصلی، مسند بزار و دهها کتاب دیگر که برخی تعداد این کتابها را به بیش از هفتاد جلد بالغ دانسته‌اند، گردآوری کرده است. در این جا یک سوال مهم مطرح است که: سیوطی تا چه اندازه در استناد روایات به راویان و مصادر روایی درست عمل کرده است؟

از منابع الهام بخش و برانگیزاننده در طرح این سوال، عبارتی از سیوطی در پاورقی روایت «كُنْ فِي الدُّنْيَا كَأَنَّكَ غَرِيبٌ أَوْ غَابِرٌ سَبِيلٍ» در الجامع الصغیر است که ایشان در آن پاورقی نوشته است: «اللبخاری عَنِ ابْنِ عَمْرِو بْنِ زَادٍ أَحْمَدَ فِي مَسْنَدِهِ وَ التِّرْمِذِيُّ وَ ابْنُ مَاجَةَ: وَعُدَّةُ نَفْسِكَ مِنْ أَهْلِ الْقُبُورِ». (سیوطی، ۱۴۲۸ الف، ج ۲، ص ۲۹۶)

این پاورقی، حامل یک پیام ضمنی است که ذهن خواننده را چنین ساماندهی می‌کند که سیوطی در ارجاع خود به منابع بسیار دقیق است و وقتی روایتی را به منبعی یا به دو یا چند منبع ارجاع می‌دهد، در آن منبع یا منابع نیز دقیقاً به همین شکل است و اگر اختلافی وجود داشته باشد، ایشان متذکر شده است. اما آیا واقعاً چنین است؟ این تحقیق در راستای ارزیابی این مسئله شکل گرفته است و برای سنجش اعتبار این مدعا از روش‌های نمونه‌گیری در تحلیل محتوا بهره برده است؛ به این معنا که با انتخاب نمونه‌ای مشتمل بر ۴۰۰

روایت از کل کتاب «الجامع الصغیر» که بر اساس قواعد علم «احتمال» انتخاب شده است؛ و نیز با کمک گرفتن از روش «تحلیل محتوای کمی مقوله‌ای»، به ارزیابی «الجامع الصغیر» در این زمینه می‌پردازد تا میزان صحت استناد وی به راویان و مصادر را در این کتاب مشخص کند. در این تحقیق، همهٔ ۴۰۰ روایت نمونه را با تطبیق بر مصادر آنها (مصادری که سیوطی به آنها ارجاع داده است و نسخهٔ آنها موجود بوده و روایت سیوطی نیز در آنها یافت شده است) مورد تحلیل قرار گرفته است.

نتایج حاصل از این نمونه، بر اساس مبانی علم احتمال و با خطای مشخص که در مبانی روش‌شناختی و نیز مباحث نتیجه‌گیری بیان خواهد شد، قابل‌تعمیم به کل جامعه است؛ یعنی بر اساس نتایج نمونه، می‌توان در مورد کل کتاب «الجامع الصغیر» قضاوت نمود و میزان صحت استنادات سیوطی به راویان و مصادر روایی را در آن ارزیابی کرد.

اهمیت روش‌شناختی این تحقیق که خود نوعی مطالعهٔ میان‌رشته‌ای است، سخن پایانی این مقدمه است که به علت جایگاه کاربردی روش تحلیل محتوا در مطالعات علوم اسلامی و از طرف دیگر، نوپایی بودن این روش در تحقیقات اسلامی و نیز اشکالات روش‌شناختی برخی تحقیقات و مقالات اسلامی انجام شده با این روش، این تحقیق امید دارد خلأئی که در این زمینه وجود دارد را در حد توان خود پر کند.

۲. پیشینه تحقیق

سیوطی در ابتدای کتاب «الجامع الصغیر» متعهد شده است که هرگز روایت جعلی در این کتاب نقل نکند. (مناوی، ۱۴۱۵ ب، ج ۱، ص ۲۱) اما به رغم تصریح سیوطی در مقدمهٔ الجامع الصغیر، برخی محققان معتقدند این کتاب دارای احادیث جعلی و ضعیف زیادی است. ایشان در این زمینه به نقد این کتاب پرداخته‌اند. چهار اثر در این حوزه قابل معرفی است:

۱. مناوی در فیض‌القدیر که شرح مفصل الجامع الصغیر به شمار می‌رود.

۲. محمدناصرالدین آلبانی در کتاب ضعیف الجامع الصغیر و زیاده.

۳. احمد بن محمد بن صدیق غماری، در کتاب *المُغیر علی الاحادیث الموضوعه فی الجامع الصغیر*.

۴. عبدالله بن محمد بن صدیق غماری در باب *التیسیر فی رد اعتبار الجامع الصغیر*. آنچه در این نوشتار مورد توجه است، لایه‌ای دیگر از مباحث مربوط به اعتبار کتاب الجامع الصغیر است؛ زیرا ممکن است کسی در مباحث آثار چهارگانه یادشده خدشه کند، مثلاً تصحیح و تضعیف اسناد توسط مولفان آن‌ها را اجتهادی بداند؛ اما در این نوشتار، فارغ از مسئله مذکور، اعتبار کتاب از نظر میزان صحت نقل‌ها (بر حسب وجود در مصدر، صحت نام راوی و صحت نام مصدر) مطالعه شده است.

۳. مبانی روش‌شناختی تحقیق

این بخش از تحقیق، متکفل تبیین اصول روش‌شناختی این پژوهش است که در چند محور تبیین می‌شوند:

۳-۱. نوع و روش تحقیق

پژوهه فرارو به روش تلفیقی (اسنادی - تحلیل محتوای کمی) انجام گرفته است؛ تا نقاط ضعف هر یک توسط دیگری پوشیده شود. (رک: فلیک، ۱۳۸۸، ص ۴۳)

روش اسنادی (Documentary research) از آغاز تا انتها بر مطالعه کتب و اسناد مبتنی است و با ابزارهایی مانند فیش و جدول و فرم و ... به کمک استدلال عقلی به تحقیق می‌پردازد (حافظ نیا، ۱۳۸۶، صص ۱۶۴ - ۱۷۲) و در تحقیق حاضر، در بررسی پیشینه، تولید چاقوب نظری و نیز بررسی یافته‌های تحقیق در بخش دوم یافته‌ها به کار رفته است.

تحلیل محتوای کمی (Content quantitative Analysis) یک فن پژوهشی است برای توصیف نظام‌مند (سیستماتیک) و تکرارپذیر محتوا بر اساس ارزش‌های عددی و روش‌های آماری است (رایف، ۱۳۸۱، ص ۲۵؛ ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰، ص ۱۹) و دارای تکنیک‌های مختلفی است.

آنچه در این جا انجام می گیرد، تحلیل محتوای مقوله‌ای است که در آن به شمارش اجزای محتوا بر اساس تجزیه به مقولات پرداخته می‌شود. (رفیع پور، ۱۳۸۲، ص ۱۱۲) این روش در تحقیق حاضر، در بخش اول یافته‌ها به کار رفته است.

۲-۳. جامعه آماری تحقیق

متن دو جلد کتاب «الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر»، در این تحقیق بررسی شده و جامعه آماری را نیز تشکیل می‌دهد.

در این پژوهش، نمونه‌گیری به روش تصادفی انتخاب می‌شود؛ زیرا یکی از مطمئن‌ترین روش‌های نمونه‌گیری است (بی، ۱۳۷۸، ص ۳۹۸) که در آن همه اعضای تعریف شده جهت انتخاب شدن شانس برابر دارند (دلاور، ۱۳۸۶، ص ۱۱۶) و نتایج این نمونه‌ها قابلیت تعمیم به کل جامعه مورد نظر را دارد. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶، ص ۱۲۳) نوع نمونه‌گیری نیز به علت تعداد روایات در هر باب، نمونه‌گیری طبقه‌بندی است تا دستیابی به درجه بالاتری از معرف بودن را ممکن کند.

روش‌شناسان، آلفا (α) = سطح خطای نمونه‌گیری) که محقق در نظر می‌گیرد را در سطح اطمینان ۹۵٪، و در بازه ۱٪ تا ۱۰٪ قابل قبول می‌دانند (واس، ۱۳۸۹، ص ۷۸) در این تحقیق، خطا را ۵ درصد و در نتیجه میزان اطمینان، ۹۵ درصد لحاظ شده است. از طرف دیگر، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، ۴۰۰ مورد برای نمونه کافی است (واس، ۱۳۸۹، ص ۷۸) بنابراین، میزان نمونه را نیز ۴۰۰ روایت قرار داده‌ایم. از آنجا که هر طبقه دارای تعداد مختلفی از روایت و گاهی دارای اختلاف زیادی با دیگر طبقات است^۱، بنابراین سهم هر طبقه به تناسب حجم آن طبقه محاسبه و تخصیص داده شده است.

۱. مثلاً طبقه اول که حرف همزه است، دارای ۳۱۱۰ روایت است. و در مقابل، طبقه دوم که حرف باء است، تنها ۷۹ روایت دارد و طبقه‌ی سی و دوم که حرف ظاء است تنها ۱ روایت دارد.

۳-۳. مقولات، رده‌ها و واحدهای تحلیل

مقوله در تحلیل محتوا عبارت است از فضایی که واحدها باید در آن طبقه‌بندی شوند. (بیابانگرد، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۱۶) مقولات، یا از طریق طرح‌های استاندارد طبقه‌بندی تولید می‌شود و یا از طریق روش آزمون و خطا. (هولستی، ۱۳۷۳، ص ۱۶۱) در این تحقیق، مقولات بر اساس مطالعه اولیه در انواع استنادات سیوطی ایجاد شده‌اند و در ضمن تحقیق کامل شده‌اند. این مقولات تحقیق در جدول شماره ۱ ارائه شده‌اند.

جدول شماره ۱: فهرست مقولات

ردیف	نوع استناد
۱.	فقدان روایت در مصدر اصلی موجود در زمان ما
۲.	فقدان روایت در مصدر اصلی موجود در زمان ما و وجود در زمان شارحان جامع صغیر
۳.	اشتباه در انتساب به راوی
۴.	عدم تعیین نام دقیق کتاب

مقصود از مقوله شماره ۲، تقویت منطق مقولات است؛ زیرا ممکن است روایاتی که در زمان ما در مصادر موجود نباشد اما در نسخه‌های شارحان جامع صغیر وجود داشته است. به همین جهت این مقوله ایجاد شده است تا انصاف در تحقیق مراعات شود.

۳-۴. اعتبار و پایایی

منبع تامین اعتبار این تحقیق، اعتبار صوری است. (رایف، ۱۳۸۱، ص ۱۵۶) از نکات قابل توجه در اعتبار این تحقیق این است که بر فرض نورمال نبودن توزیع در جامعه آماری نیز خدشه‌ای بر منطق و نتایج این پژوهش وارد نخواهد شد؛ زیرا آنچه در این تحقیق مورد

نظر است، تبیین میزان اطمینان به اتقان روش مولف در ارجاعات است و نتایج نمونه بررسی شده با استدلال کیفی که در بخش دوم یافته‌ها است، برای این اظهار نظر کافی است. ارزیابی پایایی این تحقیق از طریق «آزمون - آزمون مجدد» که یکی از روش‌های بررسی پایایی است (و اس، ۱۳۸۹، ص ۶۲) انجام گرفته و ضریب پایایی با کمک فورمول پای (pi) اسکات محاسبه شده است. درصد توافق دو کدگذار در همه‌ی متغیرها صد درصد است و شاخص در ارزش ضریب پایایی آن است که از $0.7+$ کمتر نباشد (رایف، ۱۳۸۱، ص ۱۵۱) و از آن‌جا که نتیجه محاسبه فوق در حد یک است، این تحقیق، پایا است.

۴. یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق در دو دسته کلی ارائه می‌شوند: نگاهی کلی به انواع استناد در نمونه، بررسی موارد استناد نادرست.

۴-۱. نگاه کلی به انواع استناد در نمونه منتخب

از ۴۰۰ مورد افراد نمونه، تعداد ۱۵ روایت در مورد آن‌ها قضاوتی انجام نگرفت؛ زیرا کتاب مورد ارجاع سیوطی نایاب بوده و یافت نشد مانند «خماسیات» تالیف زاهر بن طاهر و «طب النبئی» تالیف ابن سنی؛ و در مورد بقیه که ۳۸۵ مورد است، این نتایج به دست آمده است: در کل نمونه، در ۳۷ مورد یعنی حدود ۹/۶٪ در استنادات سیوطی اشکال وجود دارد.

۴-۲. بررسی تفصیلی ارجاعات نادرست در نمونه منتخب

در این قسمت از یافته‌ها، ارجاعات موجود در نمونه که به شکلی نادرست صورت گرفته‌اند، به کمک روش کتابخانه‌ای و با مراجعه به مصادر ارجاعات سیوطی، مورد بررسی قرار می‌گیرد. ارجاعات نادرست سیوطی در سه دسته کلی قرار دارند: فقدان روایت در مصدر اصلی، اشتباه در انتساب به راوی، عدم تعیین نام دقیق کتاب.

۴-۲-۱. فقدان روایت در مصدر اصلی

این اشکال در استناد، دارای چند مورد به شرح زیر است:

۱. «بُكَاءُ الْمُؤْمِنِ مِنْ قَلْبِهِ، وَبُكَاءُ الْمُنَافِقِ مِنْ هَامَتِهِ». (سیوطی، ۱۴۲۸ الف، ج ۱، ص ۴۸۷) سیوطی این روایت را از حدیثه و در کتب «الضعفاء» تالیف عقیلی، «المعجم الکبیر» تالیف طبرانی و «حلیه الاولیاء» تالیف ابونعیم نقل کرده است. این روایت در کتاب ابونعیم و کتاب عقیلی وجود دارد (ابونعیم، ۱۳۹۴، ج ۴، ص ۱۱؛ عقیلی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۸۶) اما در کتاب طبرانی این روایت وجود ندارد؛ زیرا در معجم کبیر ایشان تنها دو حدیثه وجود دارد که اولی حدیثه بن الیمان است که حدیثه مطلق است و دومی حدیثه بن اسید که با همین نام روایات او را آورده است. و اینجا حدیثه بن الیمان مقصود است؛ زیرا سیوطی نیز در مقدمه کتاب جامع الاحادیث (که کتاب «الجامع الصغیر» تلخیص آن است) تصریح کرده است هرگاه حدیثه به طور مطلق به کار بردم، حدیثه بن یمان مقصود است. (سیوطی، ۱۴۲۶ ب، ج ۱، ص ۴۵) اما در المعجم الکبیر طبرانی ۲۸ روایت از حدیثه بن یمان نقل شده است و این حدیث در میان آن روایات وجود ندارد. (رک: طبرانی، بی تا، ج ۳، صص ۱۶۱ - ۱۷۰)

۲. «الْجِهَادُ وَاجِبٌ عَلَيْكُمْ مَعَ كُلِّ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ أَوْ فَاجِرٍ وَإِنْ هُوَ عَمِلَ الْكِبَائِرَ وَالصَّلَاةُ وَاجِبَةٌ عَلَيْكُمْ خَلْفَ كُلِّ مُسْلِمٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ أَوْ فَاجِرٍ وَإِنْ هُوَ عَمِلَ الْكِبَائِرَ وَالصَّلَاةُ وَاجِبَةٌ عَلَيْكُمْ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ يَمُوتُ بَرًّا أَوْ فَاجِرًا وَإِنْ هُوَ عَمِلَ الْكِبَائِرَ». (سیوطی، ۱۴۲۸ الف، ج ۱، ص ۵۶۴) سیوطی این روایت را از ابوهریره و در کتاب سنن ابوداود و مسند ابویعلی موصلی نقل کرده است. این روایت در سنن ابوداود وجود دارد. (ابوداود، السنن، بی تا، ج ۳، ص ۱۸) اما در مسند ابویعلی یافت نشده است.

۳. «مَا خَيْرٌ مَا أُعْطِيَ النَّاسُ «خُلُقٌ حَسَنٌ»». (سیوطی، ۱۴۲۸ الف، ج ۱، ص ۶۲۸) سیوطی این روایت را از اسامه بن شریک در سنن نسائی و مسند ابن حنبل و سنن ابن ماجه و مستدرک حاکم نقل کرده است. که در سه کتاب اخیر یافت شده است (ابن حنبل، ۱۴۲۱، ج ۳۰، ص ۳۹۴؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۴، ص ۴۴۱؛ ابن ماجه، ۱۴۳۰، ج ۴، ص ۴۹۷) اما در سنن نسائی (نه سن صغری و نه کبری) یافت نشد و محمد إسحاق، محقق کتاب

التنویر که شرح جامع صغیر است هم این روایت را در سنن نسائی نیافته است. (رک:

کحلانی، ۱۴۳۲، ج ۶، ص ۲۰)

۴. «أَقْسَمَ الْخَوْفُ وَالرَّجَاءُ أَنْ لَا يَجْتَمِعَا فِي أَحَدٍ فِي الدُّنْيَا فَيَرِيحَ رِيحَ النَّارِ وَلَا يَفْتَرِقَا

فِي أَحَدٍ فِي الدُّنْيَا فَيَرِيحَ رِيحَ الْجَنَّةِ». (سیوطی، ۱۴۲۸ الف، ج ۱، ص ۲۰۱) سیوطی این

روایت را از معجم کبیر طبرانی از واثله نقل کرده است که در روایات واثله در کتاب

المعجم الکبیر این حدیث یافت نشد؛ اما در شعب الایمان بیهقی یافت شد. (بیهقی، ۱۴۲۳، ج

۲، ص ۳۱۷) همانطور که سیوطی نیز در جامع الاحادیث (که کتاب «الجامع الصغیر» تلخیص

آن است) این روایت را به شعب الایمان ارجاع داده است نه به کتاب المعجم الکبیر.

(سیوطی، ۱۴۲۶ ب، ج ۱، ص ۷۷۲)

۵. دَرَهُمْ حَلَالٌ يُشْتَرَى بِهِ عَسَلٌ وَيُشْرَبُ بِمَاءِ الْمَطَرِ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ. (سیوطی، ۱۴۲۸

الف، ج ۱، ص ۶۴۶) سیوطی این روایت را از انس در مسند الفردوس نقل کرده است که

در نسخه موجود از طبع فردوس یافت نشد.

۶. زُرَّ فِي اللَّهِ فَإِنَّهُ مَنْ زَارَ فِي اللَّهِ شِعْرَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ. (سیوطی، ۱۴۲۸ الف، ج ۲،

ص ۲۹) سیوطی این روایت را از ابن عباس در حلیه الاولیاء نقل کرده است که در

حلیه الاولیاء یافت نشد. یک مورد دیگر هم از ارجاعات سیوطی به حلیه الاولیاء در نمونه

(سیوطی، ۱۴۲۸ الف، ج ۲، ص ۷۹)، در کتاب حلیه الاولیاء یافت نشد.

۷. عَذَابُ أُمَّتِي فِي دُنْيَاهَا. (سیوطی، ۱۴۲۸ الف، ج ۲، ص ۱۵۱) سیوطی این روایت

را از عبدالله بن یزید در مستدرک حاکم نیشابوری و المعجم الکبیر طبرانی نقل کرده است.

این روایت در مستدرک حاکم وجود دارد (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۱۴) اما در

المعجم الکبیر طبرانی وجود ندارد بلکه طبرانی این روایت را در المعجم الاوسط (طبرانی،

بی تا الف، ج ۷، ص ۱۶۳) و المعجم الصغیر (طبرانی، ۱۴۰۵ ب، ج ۲، ص ۱۲۳) نقل کرده

است. همانطور که محمد اسحاق، محقق کتاب «التنویر» که شرح جامع صغیر است هم آن

را به المعجم الاوسط ارجاع داده (کحلانی، ۱۴۳۲، ج ۷، ص ۲۲۱) و هیشمی هم این روایت

را به المعجم الاوسط و المعجم الصغیر ارجاع داده است. (هیشمی، ۱۳۹۹، ج ۷، ص ۲۲۴)

۸. كَفَى بِالْمَوْتِ مُرْهَدًا فِي الدُّنْيَا وَمُرْعَبًا فِي الْآخِرَةِ. (سیوطی، ۱۴۲۸ الف، ج ۲، ص ۲۷۲) سیوطی این روایت را از ربیع در مسند احمد، سنن ابن ماجه و مصنف ابن ابی شیبه نقل کرده است. این روایت در مصنف ابن ابی شیبه یافت شده است (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۷۸) اما در مسند ابن حنبل یافت نشد؛ زیرا ابن حنبل کلاً ۶ روایت از ربیع بن انس دارد و این روایت در میان آن احادیث نیست.

۹. كُلُّ جَسَدٍ نَبَتَ مِنْ سُحْتٍ فَالنَّارُ أَوْلَى بِهِ. (سیوطی، ۱۴۲۸ الف، ج ۲، ص ۲۷۹) سیوطی این روایت را از ابوبکر در حلیه الاولیاء و المعجم الکبیر طبرانی نقل کرده است. این روایت در حلیه وجود دارد (ابونعیم، حلیه الاولیاء، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۳۱) اما در کتاب المعجم الکبیر طبرانی کبیر وجود ندارد. سیوطی خود هم در الجامع الکبیر (که الجامع الصغیر تلخیص آن است) آن را به ابونعیم در حلیه الاولیاء و بیهقی در شعب الایمان نسبت داده است نه طبرانی. (سیوطی، ۱۴۲۶ ب، ج ۶، ص ۴۱۶)

۱۰. لَوْ أَنَّ حَجْرًا مِثْلَ سَبْعِ خَلْفَاتِ أَلْقَى عَنْ شَفِيرِ جَهَنَّمَ هَوَى فِيهَا سَبْعِينَ خَرِيْفًا لَا يَبْلُغُ قَعْرَهَا. (سیوطی، ۱۴۲۸ الف، ج ۲، ص ۴۲۶) سیوطی این روایت را از انس در کتاب هناد نقل کرده اما نام کتاب را بیان نکرده و شارحان گفته‌اند کتاب «زهده» هناد است. (مناوی، ۱۴۱۵ ب، ج ۵، ص ۳۰۸) که در آن کتاب هم یافت شده است. (هناد، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۷۵)

۱۱. مَا أُنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ مِنْ نِعْمَةٍ مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ وَكْدٍ، فَيَقُولُ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، فَيَرَى فِيهِ آفَةٌ دُونَ الْمَوْتِ. (سیوطی، ۱۴۲۸ الف، ج ۲، ص ۴۸۷) سیوطی این روایت را از انس در کتاب شعب الایمان بیهقی و مسند ابویعلی موصلی نقل کرده است. این روایت در شعب الایمان یافت شده است (بیهقی، ۱۴۲۳، ج ۶، ص ۲۱۲) اما در مسند ابویعلی موصلی یافت نشد؛ همانطور که محقق التویر هم آن را در مسند ابویعلی موصلی نیافته است. (کحلانی، ۱۴۳۲، ج ۹، ص ۳۶۰)

۱۲. كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) إِذَا غَزَا قَالَ: «اللَّهُمَّ أَنْتَ عَضْدِي وَنَصِيرِي، بِكَ أَحْوَلُ، وَبِكَ أَصْوَلُ، وَبِكَ أَقَاتِلُ». (سیوطی، ۱۴۲۸ الف، ج ۲، ص ۳۴۲) سیوطی این روایت را از انس در کتاب سنن ابوداود و سنن ترمذی صحیح ابن حبان و مختارات

مقدسی و سنن ابن ماجه نقل کرده است. این روایت، در چهار کتاب اول یافت شده است (ابوداود، بی تا، ج ۳، ص ۴۲؛ ترمذی، السنن، ۱۹۹۸، ج ۵، ص ۴۶۴؛ ابن حنبل، ۱۴۲۱، ج ۲۰، ص ۲۵۵؛ مقدسی، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۳۳۹؛ ابن حبان، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۷۷) اما در سنن ابن ماجه یافت نشد.

۱۳. كَانَ يَكْرَهُ أَنْ يُطَّلَعَ مِنْ نَعْلَيْهِ شَيْءٌ عَنْ قَدَمَيْهِ. (سیوطی، ۱۴۲۸ الف، ج ۲، ص ۳۹۳) سیوطی این روایت را از زیاد بن سعد در کتاب زهد احمد نقل کرده است. اما این روایت در کتاب زهد احمد یافت نشد؛ زیرا احمد هیچ روایتی را در آن کتاب از زیاد بن سعد نقل نکرده است.

۱۴. مَنْ خَضِبَ بِالْأَسْوَادِ سَوَدَ اللَّهُ وَجْهَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (سیوطی، ۱۴۲۸ الف، ج ۲، ص ۵۹۸) سیوطی این روایت را از ابودرداء از کتاب المعجم الکبیر طبرانی نقل کرده است. اما در این کتاب موجود نبود بلکه این روایت در مسند الشامیین از دیگر کتب طبرانی یافت شد؛ بود آن هم «مَنْ سَوَدَ بِالْخِضَابِ» بود نه «مَنْ خَضِبَ بِالْأَسْوَادِ». (طبرانی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۷۶)

۱۵. رهان الخیل طلق. (سیوطی، ۱۴۲۸ الف، ج ۲، ص ۱۸) سیوطی این روایت را از رفاعه بن رافع در کتاب الاحادیث المختاره نقل کرده است. اما مختار فقط سه روایت از ایشان نقل کرده است که در بین این سه روایت، چنین حدیثی نیست.

۱۶. صَلَاةُ الْمُسَافِرِ بِمَنْىَ وَغَيْرِهَا رَكْعَتَانِ. (سیوطی، ۱۴۲۸ الف، ج ۲، ص ۱۰۸) سیوطی این روایت را از ابن عمر در مسند أبوأمیة الطرسوسی نقل کرده است. اما در کتاب مذکور یافت نشد.

۱۷. أَمَا أَوَّلُ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ فَنَارٌ تَخْرُجُ مِنَ الْمَشْرِقِ فَتَحْشُرُ النَّاسَ إِلَى الْمَغْرِبِ وَأَمَّا أَوَّلُ مَا يَأْكُلُهُ أَهْلُ الْجَنَّةِ فَرِيَادَةُ كَبِدِ الْحَوْتِ وَأَمَّا شَبَهُ الْوَلَدِ أَبَاهُ وَأُمُّهُ فَإِذَا سَبَقَ مَاءُ الرَّجُلِ مَاءَ الْمَرْأَةِ نَزَعَ إِلَيْهِ الْوَلَدُ وَإِذَا سَبَقَ مَاءُ الْمَرْأَةِ مَاءَ الرَّجُلِ نَزَعَ إِلَيْهَا. (سیوطی، ۱۴۲۸ الف، ج ۱، ص ۲۴۲) سیوطی این روایت را از انس در کتب صحیح بخاری و سنن صغری نسائی و مسند احمد نقل کرده است. این روایت در صحیح بخاری و مسند احمد وجود دارد (بخاری، ۱۴۲۲، ج ۶، ص ۱۹؛ ابن حنبل، ۱۴۲۱، ج ۱۹، ص ۱۱۳) اما در سنن کبرای نسائی وجود دارد نه سنن

صغرا. (نسائی، ۱۴۲۱ ب، ج ۷، ص ۳۵۱) یک مورد دیگر نیز از این دست وجود دارد که سیوطی آن را به سنن صغرای نسائی ارجاع داده است و حال آن که در سنن کبری است نه سنن صغری. (سیوطی، ۱۴۲۸ الف، ج ۲، ص ۱۵۸؛ نسائی، ۱۴۲۱ ب، ج ۹، ص ۱۸۸؛ همچنین رک: کحلانی، ۱۴۳۲، ج ۷، ص ۲۵۴) مورد سومی هم در نمونه پیدا شده است که سیوطی آن را نیز به السنن الصغری ارجاع داده (سیوطی، ۱۴۲۸ الف، ج ۲، ص ۳۳۶) اما در السنن الکبری است نه السنن الصغری. (نسائی، ۱۴۲۱ ب، ج ۹، ص ۲۴۳)

۴-۲-۲. اشتباه در انتساب به راوی

این اشکال در استاد، دارای چند مورد به شرح زیر است:

۱. السُّوَاكُ مَطْهَرَةٌ لِلْفَمِ مَرْضَاءٌ لِلرَّبِّ (سیوطی، ۱۴۲۸ الف، ج ۲، ص ۷۱) سیوطی این روایت را از عایشه در سنن نسائی، سنن بیهقی، مسند احمد، صحیح ابن حبان و مستدرک حاکم و سنن ابن ماجه، نقل کرده است که در پنج کتاب اول به عایشه اسناد داده شده است (نسائی، ۱۴۰۶ الف، ج ۱، ص ۱۰؛ بیهقی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۵۴؛ ابن حنبل، ۱۴۲۱، ج ۴۰، ص ۲۴۰؛ ابن حبان، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۳۴۸) اما ابن ماجه این روایت را از ابی امامه نقل کرده نه عایشه. (ابن ماجه، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۱۹۲)

۲. إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى عِنْدَ كُلِّ فِطْرٍ غَتَفَاءٌ مِنَ النَّارِ وَذَلِكَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ. (سیوطی، ۱۴۲۸ الف، ج ۱، ص ۳۵۸) سیوطی این روایت را از ابوامامه در کتب مسند ابن حنبل، معجم کبیر طبرانی، شعب الایمان بیهقی و سنن ابن ماجه نقل کرده است. نقل این روایت از همین راوی در سه کتاب اول صحیح است. (ابن حنبل، ۱۴۲۱، ج ۳۶، ص ۵۳۸؛ طبرانی، بی تا، ج ۸، ص ۲۸۴؛ بیهقی، ۱۴۲۳، ج ۵، ص ۲۲۱) اما در سنن ابن ماجه چنین روایتی از ابوامامه نقل نشده است؛ زیرا در این کتاب، چهار روایت در باب فضل ماه مبارک رمضان وجود دارد که هیچکدام از ابوامامه نقل نشده است. البته یکی از آن احادیث با این روایت تطابق عینی دارد که آن هم از جابر است نه ابوامامه. (ابن ماجه، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۵۶۰)

۳. مَنْ أَقْتِيَ بَغْيِيرٍ عِلْمٍ كَانَ إِثْمُهُ عَلَيَّ مَنْ أَقْتَاهُ وَمَنْ أَشَارَ عَلَيَّ أَخِيهِ بِأَمْرٍ يَعْلَمُ أَنَّ الرُّشْدَ فِي غَيْرِهِ فَقَدْ خَانَهُ. (سیوطی، ۱۴۲۸ الف، ج ۲، ص ۵۷۷) سیوطی این روایت را از انس در سنن ابوداود و مستدرک حاکم نقل کرده است. این روایت در مستدرک حاکم به همین

شکل است (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۸۳ و ۱۸۴)؛ اما در سنن ابوداود، نیمه اول آن از ابوهریره و نیمه دوم آن از سلیمان مهری است: *مَنْ أَفْتِيَ بِغَيْرِ عِلْمٍ كَانَ إِثْمُهُ عَلَى مَنْ أَفْتَاهُ*. *زَادَ سُلَيْمَانُ الْمَهْرِيُّ فِي حَدِيثِهِ، «وَمَنْ أَشَارَ عَلَى أَخِيهِ بِأَمْرٍ يَعْلَمُ أَنَّ الرُّشْدَ فِي غَيْرِهِ فَقَدْ خَانَهُ» وَهَذَا لَفْظُ سُلَيْمَانَ*. (ابوداود، بی تا، ج ۳، ص ۳۲۱)

۴. *العَارِيَةُ مُؤَدَّاهُ، وَالْمِنْحَةُ مَرْدُودَةٌ، وَالِدَيْنُ مَقْضَى، وَالزَّرْعِيمُ غَارِمٌ* (سیوطی، ۱۴۲۸ الف، ج ۲، ص ۱۸۴) سیوطی این روایت را از ابوامامه در سنن ترمذی، سنن ابوداود، مسند احمد، سنن ابن ماجه و الاحادیث المختاره نقل کرده است. این روایت در چهار منبع نخستین از ابوامامه نقل شده است (ترمذی، السنن، ۱۹۹۸، ج ۲، ص ۵۵۶؛ ابوداود، السنن، بی تا، ج ۳، ص ۲۹۶ - ۲۹۷؛ ابن حنبل، ۱۴۲۱، ج ۳۶، ص ۶۲۸؛ ابن ماجه، ۱۴۳۰، ج ۳، ص ۴۷۸) اما در کتاب الاحادیث المختاره دو نقل از این روایت وجود دارد که راوی هر دو انس است نه ابوامامه. (مقدسی، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۱۴۹ و ۱۵۰)

۴-۲-۳. عدم تعیین نام دقیق کتاب

این اشکال در استنادهای سیوطی، دارای چند مورد به شرح زیر است:

۱. *إِنَّمَا يَتَجَالَسُ الْمُتَجَالِسَانِ بِأَمَانَةِ اللَّهِ تَعَالَى فَلَا يَحِلُّ لِأَحَدِهِمَا أَنْ يُفْشِيَ عَلَى صَاحِبِهِ مَا يَخَافُ*. (سیوطی، ۱۴۲۸ الف، ج ۱، ص ۳۹۴) سیوطی این روایت را از ابن مسعود در کتاب «ابوالشیخ» نقل کرده است و حال آن که ابوالشیخ دهها کتاب روایی دارد. و شارحان اشاره کرده‌اند که این روایت از کتاب «الثواب» است. (مناوی، ۱۴۱۵ ب، ج ۲، ص ۵۶۹؛ کحلانی، ۱۴۳۲، ج ۴، ص ۱۸۵) که نام اصلی آن «ثواب الاعمال» از تالیفات ابوالشیخ است. این ارجاع مبهم به کتاب ابوالشیخ در دو مورد دیگر نیز در نمونه تکرار شده است. (سیوطی، ۱۴۲۸ الف، ج ۱، ص ۵۰۱؛ ج ۱، ص ۶۶۸)

۲. *مَنْ أَحْيَا سُنَّتِي فَقَدْ أَحْيَانِي وَمَنْ أَحْبَبَنِي كَانَ مَعِيَ فِي الْجَنَّةِ*. (سیوطی، ۱۴۲۸ الف، ج ۲، ص ۵۷۷) سیوطی این روایت را از سجزی نقل کرده است. اما نام کتاب را معلوم نکرده

است و شارحان گفته‌اند کتاب «الابانه» است. در (مناوی، ۱۴۰۸ الف، ج ۲، ص ۳۹۰؛ کحلانی، ۱۴۳۲، ج ۱۰، ص ۵۵)

۳. أولیاء الله الذین إذا رأوا ذکر الله تعالی. (سیوطی، ۱۴۲۸ الف، ج ۲، ص ۴۳۰) سیوطی این روایت را از ابن مسعود در کتاب «ابوالشیخ» نقل کرده است و سیوطی این روایت را از ابن عباس در کتاب حکیم نقل کرده است و مشخص نکرده است حکیم کیست و کدام کتاب او مقصود است؟ شارحان معتقدند مقصود از حکیم، ترمذی در کتاب «نوادرالاصول» است. (کحلانی، ۱۴۳۲، ج ۶، ص ۷؛ مناوی، ۱۴۰۸ الف، ج ۱، ص ۵۲۹) و این تحقیق نیز روایت مذکور را در کتاب نوادر یافته است. (ترمذی، نوادرالاصول، بی تا، ج ۲، ص ۳۹) این ارجاع مبهم به کتاب حکیم، در سه مورد دیگر نیز در نمونه تکرار شده است. (سیوطی، ۱۴۲۸ الف، ج ۱، ص ۶۲۵؛ ج ۲، ص ۱۱۳؛ ج ۲، ص ۷۲۴)

نتیجه گیری

این تحقیق نشان داده است با خطای ۵ درصد می‌توان گفت در کل کتاب الجامع الصغیر، در ۹/۶٪ موارد ارجاعات بر اساس مصادر روایی موجود در زمان ما نادرست هستند. با توجه به حجم کل روایات جامع صغیر که ۱۰۰۳۱ روایت است، این نتیجه به این معنا است که در حدود ۱۰۴۵ روایت از کل روایات این کتاب، ارجاع‌دهی سیوطی دارای اشتباه است. خلاصه‌ای از یافته‌ها در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول شماره ۳. فراوانی گونه‌های استناد نادرست در نمونه منتخب

ردیف	نوع استناد	فراوانی	درصد
۱.	فقدان روایت در مصدر اصلی موجود در زمان ما	۱۹	۵۱/۳٪
۲.	فقدان روایت در مصدر اصلی موجود در زمان ما و وجود در زمان شارحان جامع صغیر	۸	۲۱/۶٪

۱۰/۸٪	۴	اشتباه در انتساب به راوی	۳.
۱۶/۲٪	۶	عدم تعیین نام دقیق کتاب	۴.
۹۹٪	۳۷	مجموع	

این اشتباهات بر چند قسم هستند: برخی به این صورت است که با مراجعه به همان مصادری که سیوطی از آنها نقل کرده مشخص شده است این روایات در آن مصادر وجود ندارد. البته در پاره‌ای از موارد، شارحان الجامع صغیر اشاراتی (غیر مصرح) دارند که این روایات در مصادر زمان ایشان وجود داشته است. بخش دیگری از این اشتباهات، عدم تصریح به نام کتاب و اکتفا به نام نویسنده کتاب و یا اشتباه در انتساب روایت به راوی است که البته عدم تصریح به نام نویسنده، ممکن است به جهت شهرت آن کتاب به اعتبار نویسنده‌اش بوده است؛ اما این احتمال بعید به نظر می‌رسد زیرا کتبی مشهورتر از این مصادر هم وجود دارند که ایشان درباره این کتاب‌ها چنین عمل نکرده‌اند؛

و ثانیاً، انتساب روایتی به نویسنده‌ای چون ابوالشیخ (به عنوان نمونه) که ده‌ها کتاب روایی دارد، قابل چنین توجیهی نیست. و ثالثاً، شارحان جامع صغیر از کنار این مساله بی تفاوت عبور نکرده و درصدد پیدا کردن نام کتاب بوده‌اند.

بنابراین یافته‌ها، کتاب الجامع الصغیر دارای حجم زیادی از ارجاع نادرست است و این حجم اشتباه شایسته یک جامع روایی آن هم از روایت‌شناسی چون سیوطی که خود عالم به قواعد نقل حدیث است، نیست. به همین جهت توصیه می‌شود محققان در استفاده از این منبع احتیاط کرده و مصادر اولیه را مورد بازبینی قرار دهند و به نقل ایشان اکتفا ننمایند.

دو نتیجه ضمنی نیز در این تحقیق حاصل شده است:

۱- از آن‌جا که کتاب «الجامع الصغیر» برگرفته از کتاب «الجامع الکبیر» سیوطی است،

نتایج این تحقیق می‌تواند در تحلیل آن کتاب هم مفید باشد.

۲- این تحقیق توانسته است روش تحلیل محتوای کمی را با مولفه‌های روش شناختی و آماری آن در پژوهش‌های حدیثی وارد کند و شایسته است خواننده‌ای که دغدغه روش‌شناسانه دارد، زمینه روشی در این تحقیق را نیز مورد توجه خاص قرار دهد.

منابع:

- **قرآن کریم.**
- ابن ابی شیبۀ، أبو بکر، (۱۴۰۹ق)، **المصنف فی الأحادیث والآثار**، الرياض: مكتبة الرشد.
- ابن حبان، محمد، (۱۴۰۸ق)، **الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان (ترتیب ابن بلبان الفاسی)**، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- ابن حنبل، أبو عبدالله أحمد بن محمد، (۱۴۲۱ق)، **مسند الإمام أحمد بن حنبل**، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- ابن ماجه، محمد بن یزید، (۱۴۳۰ق)، **سنن ابن ماجه**، بیروت: دار الرسالة العالمية.
- أبو داود، سلیمان بن الأشعث، (بی تا)، **سنن أبی داود**، بیروت: المكتبة العصرية.
- أبو نعیم أحمد بن عبد الله، (۱۳۹۴ق)، **حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء**، مصر: السعادة.
- أبو یعلی موصلی، أحمد بن علی، (۱۴۰۴ق)، **مسند أبی یعلی**، دمشق: دارالمأمون للتراث.
- ایمان، محمد تقی، نوشادی، محمودرضا، (۱۳۹۰ش)، تحلیل محتوای کیفی، **دو فصلنامه‌ی علمی- تخصصی «پژوهش»**، سال سوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، صص ۴۴-۱۵.
- بی، ارل، (۱۳۷۸)، **تحقیق در علوم اجتماعی**، ترجمه رضا فاضل، قم: انتشارات سمت.
- بخاری، محمد بن إسماعیل، (۱۴۲۲ق)، **صحیح البخاری**، بیروت: دار طوق النجاة.
- یابانگرد، اسماعیل، (۱۳۸۶)، **روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی**، تهران: نشر دوران.
- بیهقی، أحمد بن الحسین، (۱۴۲۴ق)، **السنن الكبرى**، المحقق: محمد عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- _____، (۱۴۲۳ق)، **شعب الإیمان**، ریاض: مكتبة الرشد.
- ترمذی، محمد بن علی، (بی تا)، **نوادیر الأصول**، بیروت: دار الجیل.

- ترمدی، محمد بن عیسی، (۱۹۹۸م)، **سنن الترمذی**، بیروت: دار الغرب الإسلامی.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، (۱۹۴۱م)، **كشف الظنون عن أسامی الكتب والفنون**، بغداد: مکتبه المثنی.
- حافظنیا، محمدرضا، (۱۳۸۶)، **مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی**، تهران: انتشارات سمت.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبد الله، (۱۴۱۱ق)، **المستدرک علی الصحیحین**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- حموده، طاهر سلیمان، (۱۴۱۰ق)، **جلال الدین السیوطی عصره و حیات و آثاره وجهوده فی الدرس اللغوی**، بیروت: المکتب الاسلامی.
- خطیب شریینی، شمس الدین، محمد بن أحمد، (۱۴۱۵ق)، **مغنی المحتاج إلى معرفة معانی ألفاظ المنهاج**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- دارقطنی، أبو الحسن علی بن عمر، (۱۴۲۴ق)، **سنن الدارقطنی**، محقق: شعیب الارنؤوط، حسن عبد المنعم شلبی، عبد اللطیف حرز الله، أحمد برهوم، بیروت: مؤسسه الرساله.
- دلاور، علی، (۱۳۸۶ش)، **روش‌های تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی**، تهران: دانشگاه پیام نور.
- رایف، دانیل و همکاران، (۱۳۸۱)، **تحلیل پیام‌های رسانه‌ای (کاربرد تحلیل محتوای کتبی در تحقیق)**، ترجمه مهدخت بروجردی علوی، تهران: انتشارات سروش.
- رفیع پور، فرامرز، (۱۳۸۲ش)، **تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی**، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- سیوطی، عبد الرحمن بن أبی بکر، (۱۴۲۸)، (الف)، **الجامع الصغير فی احادیث البشیر النذیر**، بیروت: دارالفکر.
- _____، (۱۴۲۶)، (ب)، **الجامع الكبير**، قاهره: الازهر.
- طبرانی، سلیمان بن أحمد، (بی تا)، (الف)، **المعجم الأوسط**، قاهره: دار الحرمین.
- _____، (۱۴۰۵ق)، (ب)، **المعجم الصغير**، بیروت - عمان: دار عمار، المکتب الإسلامی.
- _____، (بی تا)، (ج)، **المعجم الكبير**، قاهره: مکتبه ابن تیمیه.
- _____، (۱۴۰۵ق)، (د)، **مسند الشامیین**، بیروت: مؤسسه الرساله.

- عطیه، محی‌الدین، یوسف، محمد خیر رمضان، حنفی، صلاح‌الدین، (۱۴۱۸ق)، **دلیل موافات الحدیث الشریف المطبوعه القدیمة و الحدیث**، بیروت: دار ابن حزم.
- عقیلی، محمد بن عمرو، (۱۴۰۴ق)، **الضعفاء الكبير**، بیروت: المكتبة العلمية.
- فلیک، اوہ، (۱۳۸۸ش)، **درآمدی بر تحقیق کیفی**، تهران: نشر نی.
- کحلانی، محمد بن اسماعیل، (۱۴۳۲ق)، **التنویر (شرح الجامع الصغیر)**، محقق: دکتور محمد إسحاق محمد إبراهيم، ریاض: مكتبة دار السلام.
- کتانی، محمد بن ابی‌الفیض، (۱۴۲۱ق)، **الرسالة المستطرفة لبيان مشهور كتب السنة المشرفة**، محقق: محمد المنتصر بن محمد الزمزی، بیروت: دار البشائر الإسلامية.
- کیوی، ریمون، کامپنهود، لوک وان، (۱۳۸۹ش)، **روش تحقیق در علوم اجتماعی**، ترجمه‌ی عبد‌الحسین نیک گهر تهران: نشر توتیا.
- محمدی‌مهر، غلامرضا، (۱۳۸۷ش)، **روش تحلیل محتوا (راهنمای عملی تحقیق)**، تهران: دانش نگار.
- مسلم بن حجاج، (بی‌تا)، **صحیح مسلم**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مقدسی، ضیاء‌الدین أبو عبد‌الله محمد، (۱۴۲۰ق)، **الأحادیث المختارة أو المستخرج من الأحادیث المختارة مما لم يخرجہ البخاری و مسلم فی صحیحیہما**، بیروت: دار خضر للطباعة والنشر والتوزیع.
- مناوی، عبدالرئوف، (۱۴۰۸ق)، (الف) **التیسیر بشرح الجامع الصغیر**، ریاض: مكتبة الإمام الشافعی.
- _____، (۱۴۱۵ق)، (ب) **فیض القدیور شرح الجامع الصغیر**، بیروت: دارالکتب العلمية.
- نادری، عزت‌الله، سیف نراقی، مریم، (۱۳۸۸ش)، **روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی با تاکید بر علوم تربیتی**، تهران: ارسباران.
- نسائی، أحمد بن شعیب، (۱۴۰۶)، (الف)، **السنن الصغری**، حلب: مكتب المطبوعات الإسلامية.
- _____، (۱۴۲۱ق)، (ب)، **السنن الكبرى**، بیروت: مؤسسه الرسالة.
- هَنَاد بن السَّرِي، **الزهد**، (۱۴۰۶ق)، کویت: دار الخلفاء للكتاب الإسلامي.

- هولستی، آل-آر.، (۱۳۷۳ش)، **تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی**، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- هیثمی، نورالدین علی بن اَبی بکر، (۱۳۹۹ق)، **کشف الأستار عن زوائد البزار**، بیروت: مؤسسه الرسالة.
- واس، دی.ای، (۱۳۸۹ش)، **پیمایش در تحقیقات اجتماعی**، ترجمه هوشنگ نایبی، تهران: نشر نی.